

چگونه شد که به اینجا رسیدیم؟

غفلت از توسعه «کم آب بر»

کم پیش می آید اهالی یک منطقه به نیرو و توان خودشان اقدامی را هماهنگ کنند تا مسئله ای را حل کرده و برای حل آن به دنبال کسانی بروند که شاید تجربه‌شان شنیدنی باشد. اما در استبرق شهرپاک مردم جمع شدند؛ برای آب! ظاهراً امروز این مسئله مشترک ۹۰ درصد مناطق ایران است اما فقط امروز!

اگر به تاریخ سرزمین‌مان به داستان‌ها، اسطوره‌ها، مکان‌های مقدس مذهبی و سازه‌های بومی مثل قنات نگاه کنیم می‌بینیم آب همیشه مسئله ما بوده است و شاید در ۴۰ سال

اخیر فقط آن را از یاد برده‌ایم. زمانی که تکنولوژی جدید حفر چاه‌های عمیق وارد کشور

ما شد، ولیعزیم همه دانش بومی و حتی همه دانش علمی آن دوره گمان بردیم که دریایی زیر پا داریم و هنوز این گمان در برخی از ما باقی است.

به نقشه نگاه کنید!ا بیشتر شهرهای ما درحاشیه کویر قرارگرفته‌است اما تعداد چاه‌های حفر شده در دشت‌های اطراف آن چند حلقه است؟ کرمان و رفسنجان هر کدام حداقل ۱۳۰۰ حلقه شناسایی شده، دارند. به دنبال مقصر نیستیم هرچند که براین کارروایی بیاستی فرایند این تخریب را بشناسیم و بدانیم چگونه شد که به اینجا رسیدیم؟

حالا در این نقطه هستیم آبی که شور می شود و باغی که می خشکد و تنها توسعه‌ای که می‌شناسیم یک توسعه به شدت آب‌بر است. از توسعه کم آب‌بر تقریباً هیچ نمی‌دانیم. برای آنکه یک اتفاق بیفتد باید عوامل زیادی دست به دست هم بدهند به قول دانشمندان علوم اجتماعی، کنشگرهایی درسطوح مختلف عمل می کنند تا یک اتفاق و یا یک مسئله ایجاد شود و یا حل شود. درسطح فردی ما کنشگر هستیم، من «مادر» من «معلم» من «شهروند» این کنشگر می‌تواند باورهای داشته باشد که به ضرر پایداری و مدیریت دست آید باشد.

این کنشگری فردی می‌تواند اعتقاد داشته باشد، آب فراوانی

وجود دارد. اگر در عمق ۸۰ متری نیست لاید در ۸۰۰ متری هست. اگر در فاصله ۸۰ کیلومتری نیست، حتما در فاصله ۸۰۰ کیلومتری هست. دولت وظیفه‌اش این است که آب بیابود تا باغ من خشک نشود تا فضای سبز شهر و روستای من شبیه آمد و بابل باشد. به این می‌گویند احساس بیگانگی یا طبیعت، عباراتی که وقتی شما به پدیده ای احساس تعلق نمی‌کنید بزبان شما می آید. یا تفکر دیگر آن که اگر خدا بخواهد باران می بارد مگر پاسرال نبارید؟ ولی من می‌توانم درخودم تغییر ایجاد کنم به عنوان معلم حسی را درچه‌ها به وجود بیاورم و آب و طبیعت را بخشی از ارزش‌های زندگی خود بدانند به عنوان کشاورز به مدیریت باغ خود فکر کنیم، به سراغ الگوهای طبیعت که با آب و مساحت کمتر درآمد بهتری کسب می کنند. اما داستان دره‌همین سطح خاتمه پیدا نمی کند سطح دوم هم هست سطح جامعه محلی؛ سطحی که افراد می‌توانند درآن گفت‌وگوهای رو در رو داشته باشند در این سطح چه می‌توان کرد؟ (با هم گفت‌وگو کنید راه‌های بیشتر و بهتری به نظر‌تان می‌آید)

مشاورت سابق سالم را رقم بزنند. اگر نماینده مردم هستید در یک سطح کوچک و یا محلی است می‌توانیم رودرو یکشنشیم و گفت‌وگو کنیم مسئله پیچیده است در طی ده‌ها به وجود آمده و راه حل ساده ای برای حل آن وجود ندارد. باید خود گوش دهیم و تصمیمات جمعی خوبی بگیریم.

ازاین سطح که فراست رویم به سطح سوم یعنی حوزه آبریز می‌رسیم. دراین سطح مقامات منطقه ای و کارشناسان ارشد آبی سیاستی به دنبال راه‌هایی باشند برای اصلاح مدیریت درسطح حوزه. یکپارچه دیدن مباحث بالادست (کوهستان‌ها) وپایین دست (دشت‌ها) مهم است؛ امروزه وقتی فردی بیمار است دائماً برای ارزیابی و سنجش شاخص‌های سلامت او دستگه‌هایی وجود دارد که میزان نب، فشارخون و ضربان قلب را اندازه می‌گیرند. اکنون حوضه‌های آبی به مثابه همان بیمار هستند اما تاچه اندازه وضعیت آبی آنها به دقت مورد اندازه گیری قرار می‌گیرد؟

پایش آبی دقیقی از میزان ورودی، تغذیه، سطح آب کیفیت آب میزان برداشت وجود دارد؟

در سطوح مختلف علمی کشور گلابه‌های زیادی از این عدم پایش دقیق وجود دارد. بله همه می‌دانیم که دچار محدودیتی آبی هستیم اما برای برنامه ریزی درسطح حوزه نیازمند اطلاعات دقیق و شفاف است. اطلاعات درباره کیفیت آب، منابع آلوده کنده آب، و خاک. در بلند مدت نمی‌توان فقط باغ و مزرعه خود را درست مدیریت کرد و یا دهستان خود را و به حوزه آبریز فکر نکرد. کشورهایی که مدیریت درست منابع آبی دارند اساساً تقسیمات

کشوری شان هم براساس حوزه‌های آبی است .

در سطح کلان یا سطح چهارم باید از طریق نمایندگان، دانشگاهیان، مجامع علمی، رسانه‌ها به دنبال تصحیح و تدوین قوانینی بود که نگرش سیستمی و یکپارچه با مشارکت همه ذی‌نفعان آب را تقویت می‌کند. باید دربی هماهنگی بین‌بخشی در وزارت خانه‌ها تا سیاستگذاری درست اتفاق بیفتند و این ساختار پراکنده با روش‌های علمی اصلاح شود و در نهایت برای حفظ انصاف در جامعه دولت باید مشوق اشتغال‌هایی باشد که نیاز آبی محدودی دارد.

گفت و گو با مهندس فهیمی مدیر عامل شرکت مهندسی مشاوره هلیل آب

کسی عقب نشینی نکرده است

دائمی در حوضه های مورد مطالعه اکتفا می‌شود.
- به نظر شما آیا نیاز است که این نوع مطالعات دوباره انجام شود یا همان مطالعات برای تصمیم گیری کافی است؟

متدولوژی و استانداردهای مورد استفاده در مطالعات آبهای زیرزمینی در وزارت نیرو در آن، تا حدودی با دستورالعمل های رایج در کشورهای پیشرفته برابری می نمود و قطعاً کارهایی که در این زمینه در حال حاضر در کشورهای پیشرفته انجام می‌شود به علت گسترش ماهواره‌های تخصصی در امر اکتشاف منابع آب و رصد کردن ذخائر آب زیرزمینی و جریان‌های سطحی رودخانه‌ها سا از نظر کمی و کیفی و تغییرات آن و همچنین متدلسازی و سنجش آنها از راه دور متفاوت تر و دقیق‌تر است چون به پیشرفت‌های علمی بزرگی نائل شده اند. کشور ما به منظور سنجش منابع آب‌های سطحی و زیرزمینی به ابزار و دستگاه‌های اندازه گیری خودکار نیاز دارد تا داده ها دقیق تر شوند و بدون خطای انسانی آمار و اطلاعات پایه مورد نیاز برنامریزان و متخصص را فراهم نماید.

قزوین مشاور خارجی داشتند. شرکت‌های مهندسی مشاور خارجی در انجام مطالعات منابع آب در مناطق از جیرفت - کرمان - خاتون آباد و دشت‌های پیرامون مدان سنگ آهن گل گهر، زرنند در قیل از انقلاب فعالیت داشتند این مشاورین به ترتیب پایاب لوئیز بر جر، سوگره هیدرا، بینی اند پارتنر و شرکنهای روسی در منطقه زرنند و شرکنهای مختلط ایرانی و فرانسوی سنتیران در طرحهای جامع آب و خاک در سطح استان فعال بودند.

متاسفانه، اکثر گزارشات و نقشه های تهیه شده و همچنین گزارشهای نیمه تفصیلی آبهای زیرزمینی دشت‌های مورد مطالعه در دسترس نیست و لازم است شرکت آب منطقه ای نسبت به جمع آوری و نگهداری این منابع اطلاعاتی اولیه دشت های استان اقدام نماید.

- **شما بین کاری که آن دوران در مطالعات انجام می شد**

و کاری که امروز انجام می شود چه تفاوت هایی می بینید؟

متاسفانه،کمیت و کیفیت کارهای آبی گذشته خصوصاً در زمینه مطالعاتی با فعالیت های کنونی در سطح کل کشور قابل مقایسه نبوده زیرا ادامه مطالعات دشت‌ها که در دستور کار شرکتهای آب منطقه‌ای قرار داشته به علت مشکلاتی دیگر تعدیل نیروی انسانی متخصص، نبود بودجه، استقلال کاری در امور مطالعات منابع آب

شرکت‌ها بتدریج کاهش یافته به طوری‌که چند سال یکبار منابع آب موجود آمار برداری شده و سطح آبسنجایی تعدادی از چاههای مشاهده ای و پیومتری باقیمانده بمظور سنجش تغییرات سالیانه سطح آب زیرزمینی و جمع آوری آمار بارندگی و اندازه گیری دبی رودخانه های

خبر

طرح آموزش و سازماندهی زنان تسهیلگر روستایی در شهرستان کرمان برگزار شد

روستایی بستر لازم را برای اجرای پروژه های مختلف و در همکاری با مراکز جهاد کشاورزی شهرستان فراهم می کند، انتخاب تسهیلگر دارای فرآیندی مرحله ای میباشد.

طرح آموزش و سازماندهی زنان تسهیلگر روستایی در مراکز جهاد کشاورزی شهرستان کرمان برگزار شد. تسهیلگر در روستا به عنوان نماینده زنان

احمد مسعودی مدیر جهاد کشاورزی شهرستان کرمان گفت: در راستای تقویت روحیه مشارکت پذیری زنان روستایی و عشایری و به منظور ارتقا و بهبود وضعیت معیشت آنان



باید راهکاری پیدا کنیم

گزارشی از همایش آب دهستان استبرق



◀ **بهار زردزنبویی**

همایش آب استبرق، رویداد متفاوتی که به همت آقای رزاهاده در چهاردهم آبان ماه امسال در شهربابک برگزار شد. کمتر از سی سال پیش استبرق دارای قنات‌هایی با دبی ۳۰ و ۴۰ لیتر در ثانیه و عمق آبی معادل یک متر بوده است و امروز بیست درصد چاه‌های کشاورزی خشکیده است و منسراز از ۱۱۰۰ هکتار به ۵ هکتار و باغ‌ها از هزار هکتار به ۵۰۰ هکتار رسیده است و دامداری‌ها از ۳۰۰ راس به ۱۰۰ راس رسیده اند.

رزاهاده سال‌های زیادی بانسی کارهای خیر برای شهر و ویژه برای کودکانی و آسیب‌دیدگان اجتماعی بوده است. وی این‌بار به کمک اعضای شورای استبرق شهربابک به دنبال راه‌هایی برای مدیریت آب است و به این مناسبت همایشی را در استبرق هماهنگ کرده بودند.

او همایش را با این جمله آغاز کرد: «اول بار شاید به هدف ما بخندید «می شود کاری کرد.» همه به ما می‌گویند. ولی هدف ما برگزاری یک همایش علمی نیست، استفاده از تجربه بزرگان است هدف مردم خودمان است می‌خواهیم آنها را هشیارتر کنیم. بعداز ۱۵ سال ۱۵ موتورماکاملا خشک شده است تا سه سال دیگر هم احتمالاً بقیه

در سطح حوزه و سیاستگذاری درست در سطح قانون کلان است. دکتر ریاحی عضو هیئت علمی دانشگاه ولی عصر رفسنجان سخنران بعدی بود. وی با طرح این سؤال شروع کرد: باغ‌ها از ۱۰۰۰ به ۵۰۰ رسیده اند مشکل از کجاست؟ از گسترش باغات که با موجودی آب نمی‌خواند، ما در منطقه با خشک شدن باغها کم شدن آب شورشدن و به دنبال آن بیکاری و

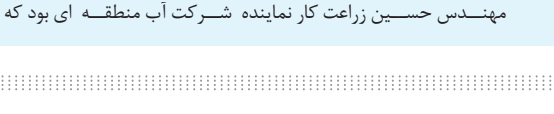
۱- مدیریت آب موجود با شیوه‌های نوین.
۲- اجرای سیستم نوین آبیاری توسط مسئولین در روستای استبرق و اطراف
۳- معرفی کشت جایگزین در روستای ده نو، بئرا و وکیشو
۴- اجرای طرح فلاباب روستایی به صورت پایلوت درمنطقه به هزینه خود ساکنین

وی در معرفی فضای شهرستان استبرق این چنین توضیح داد: «تیب کاری که ما در روستایمان انجام دادیم شاید در کشور بی نظیر باشد ما خودمان درخواست این همایش را کردیم گفتند الکی پول خرج می‌کنید. با کمک همگانی بدون هزینه این کار امکان پذیر شد. یادم می‌آید کلاس دوم دبیرستان بودم گماری بودم به چوپان همراهم گفتم آب نیست، گفت تو گوسفندان را بیل کنلر قلعه بزگر. با تعجب گفتم نوی این بیابان آب کجاست؟ گوسفندا را بردم و دیدم نیم متر چاله کنده مشک را آب کرده جای درست کرده وخواوبدم الان درهمان جا یابد ۴۰۰متر پایین برویم و اسید بیاوریم.»

بعد از وی حاق آقا پوراحمدیان امام جمعه موقت شهرستان شهربابک ازآموزه‌های دینی و اختیار انسان در مصرف صحبت کرد. وی پیشنهاد کرد تبلیغات مناسبی از همه روزنامه‌ها، صدا و سیما و انمه جمعه درباره

صرفه جویی آب داشته باشیم. سپس فرماندار شهربابک آقای اسدی در باب فعالیت‌های مشارکتی و اقدامات این روستا صحبت کرد و تاکید کرد: «این که امروز کشاورزان منطقه استبرق پیشاپیش خود برنامه ای را برای آب برگزار کرده اند نشان می‌دهد که خود پای کار هستند.»

چهارمین سخنران این مراسم رویا اخلاص پور مدیر پروژه مدیریت مشارکتی بود. وی نیز اظهار داشت که ضرورت مدیریت آب، اصلاح باورها در سطح فردی، جستجو راه حل به صورت مشارکتی در سطح محلی و مدیریت یکپارچه منابع



مهاجرت روبرو هستیم. اگر بیابان شروع به گسترش کند؛ حتی امکان دامداری و گردشگری هم وجود ندارد.» وی ادامه داد: « برای کشاورزی آب از خلیج فارس نمی آید فاضلاب شهر را هم اگر تصفیه شود به کشاورزی نمی دهند

ماباید مصرف‌ران کم کنیم و متعادل با بارندگیمان کنیم. در این منطقه تبخیر هم زیاد است بنابراین برای این منطقه راه حل آبیاری قطره‌ای است وی در پایان به مقایسه روش‌های سنتی با روش آبیاری قطره ای پرداخت. مهندس حسین زراعت کار نماینده شرکت آب منطقه ای بود که

بدون توجه به این که بالا دست و پایین دست آن چه اتفاقی می‌افتد.

- **در فاصله ۵۹-۶۱- شما کجا بودید؟**

در سال ۵۹ من به‌عنوان مسئول مطالعات منابع آب در بم شاغل بودم و در سال ۱۳۶۱ من به‌عنوان مدیر مطالعات منابع آب استان در شرکت آب منطقه ای به کار ادامه دادم و در سال ۱۳۶۲ تا ۱۳۶۵

به عنوان مدیر عامل شرکت آب منطقه ای انتخاب شده در این دوره کلیه چاه‌های غیر مجاز در سطح دشت‌های ممنوعه تعیین تکلیف و بهره‌برداران آن را طبق راجز آن کمیسیون صدور پروانه‌ها مضر به مصالح عمومی تشخیص و تعدادی از این چاه‌ها به و نثرن مسلوب المنفعه شد

- **برگردیم به تصویر اولیه بم منظورم سال ۶۰ است. بم چه قدر به قنات وابسته بود، قنات‌ها چه حجمی از منابع را تامین کردند؟**

در دشت بم و نرماشیر که یکی از وسیعترین دشت‌های ابرفتی کشور به حساب می آید در سال‌های گذشته بهره‌برداری از منابع آب زیرزمینی آن عموماً بوسیله ۳۶۴ رشته قنات صورت می‌گرفته است. متأسفانه با وجود اینکه ۳/۲ رسعت این دشت در سال ۱۳۶۴ ممنوعه اعلام گردید و طی سال‌های بعد بقیه دشت بم و نثرن ماشیر ممنوعه شده بعد از زلزله شهر بم و مهاجرت روستائیان به شهر بم در حال حاضر حدود ۲،۳ قنات خشک گردیده و چاه‌های غیر مجاز زیادی در مناطق مختلف شروع به بهره برداری نموده به علاوه احداث سد بسته روی رودخانه نساء در کاهش یا از بین رفتن قنات منطقه غرزابآباد - بدر آباد - گنکی - و چاه‌گال موثر بوده و میانگین آبدهی قنات‌ا ۵۱ لیتر در ثانیه به کمتر از بیست لیتری در ثانیه رسیده است. با توجه به اضافه بهره برداری چاه‌های مجاز و غیر مجاز در سطح منطقه بیم آن می‌رود که باقیمانده بزگترین میراث آبی کشور در دشت بم و نرماشیر که قنات می باشد طی سالهای آتی خشک گردیده و جای خود را به چاه‌های جدید بدهند.

- **در جاهای دیگر که در آن سال‌ها اجازه حفر چاه داده شد مجاز و غیر مجاز چه گونه بود؟**

کمیته های انقلابی بودند، کمیته آب درست شده بود.اکثر این جاها به طور خاص رفسنجان. اوج حفر چاه‌های غیر مجاز در اکثر مناطق ممنوعه اوائل انقلاب بود. در منطقه رفسنجان حتی قبل از پیروزی انقلاب ۱۵۴ حلقه چاه غیر مجاز حفر گردیده بود و پس از پیروزی انقلاب کمیته آب مستقتر در فرمانداری و دفتر اما جمعه نسبتب به صدور پروانه حفر ۴۵۰ حلقه چاه و تشکیل گروه‌های کشاورزی اقدام نمود. موج حفر چاه‌های غیر مجاز البته به تعداد کمتر بعد از پیروزی در جنگ در منطقه اتفاق افتاد. متأسفانه موج سوم حفر چاه های غیر مجاز با تصویب ماده واحده قانونی در سال ۱۳۸۵ در مجلس شورای اسلامی می آید که قریب ۶۵۰ حلقه چاه آن توسط مردم در مساحت مربوطه در استان کرمان نام نویسی می نمودند.

- **ما وقتی به آمار چاه‌های استان نگاه می‌کنیم دردهه ۶۰ افزایش داریم، دست دوباره مجددا دهه هفتاد و دوباره دهه ۸۰ افزایش چاه‌ها هست. علیرغم ممنوعیت دشت‌ها این این روند صعودی را چطور توضیح می‌دهید؟**

درهمایش حضورداشت. زراعت کار نیز گفت: «آبی که ما دردرسوس داریم همان بارانی است که می بارد، ما یک سوم میانگین بارندگی جهانی را داریم و باید این را بپذیریم همه این بارن هم سهم ما نیست بخشی هم سهم طبیعت است سهم پرنندگان گیاهان و چرندنگان؛ مثلا این منطقه دشت ریواس دارد که شاید درایران بی نظیر است این ریواس انسان حداکثر ۲۰ درصد سهم باران را داریم وتا ۴۰درصد قابل تحمل است ولی درکشور ما تا ۸۰ درصد بارندگی سهم انسان شده است و درکرمان از این هم وضع بدتر است.

وی در ادامه به تاریخچه آب شهرستان شهربابک پرداخت: «تا سال ۱۳۳۰ ما مشکلی آبی نداشتیم تقریباً به همان اندازه بارندگی از طریق چشمه و قنات از آب استفاده می کردیم. در سال ۱۳۳۰ با تکنولوژی حفر چاه‌های عمیق تعادل بین تولید آب و مصرف آب به هم خورد و از سال ۱۳۳۰ تا ۱۳۴۷ مشکل حاد شد، برای پاسخ به این مشکل قانونی به نام ملی شدن آب‌ها مطرح می‌شود و قرار می‌شود که مناطقی که مصرفشان از تولیدشان بیشتر است ممنوعه شود. دشت شهربابک (خاتون آباد) در سال ۱۳۵۱ ممنوعه می‌شود. درسال ۵۷

به دلیل انقلاب تعدادی چاه غیرمجاز حفر می‌شود و در سال ۱۳۶۱ مجلس شورای اسلامی قانون توزیع عادلانه را تصویب می‌کند. در این قانون بندی وجود دارد به نام تبصره ماده ۳ که اجازه می‌دهد چاه‌هایی که غیر مجاز مهمترین محور جلسات جهاد کشاورزی آبی بوده است. او تاکید کرد: ما علاوه مجاز ششود و این باعث می‌شود تا سال‌های بعد همچنان امکان قانونی شدن چاه‌های غیرمجاز وجود داشته باشد. تا سال ۱۳۸۳ که طرح تعادل بخشی پیش می‌آید و در آن پیش‌بینی می‌شود که چاه‌های غیر مجاز تعیین تکلیف شوند و درسال ۱۳۸۶ قانون دیگری تصویب می‌شود که چاه‌هایی که تا سال ۱۳۸۶ حفر شده‌اند مجاز اعلام شده و به آنها مجوز ۲۵ مترمکعبی داده شود و علیرغم همه این مسائل هنوز این قانون اجرایی نشده است.

و در پایان تاکید کرد: «خوشبختانه درشهربابک چاه غیرمجاز نداریم ولی میزان تولید آب درحوزه ۱۱۰ میلیون مترمکعب و میزان مصرف ۱۶۱۷۰ تا ۱۸۰ میلیون مترمکعب است. اقتصاد آب درکشورما جایایی پیکره‌ده است. ما قانونی نداریم که آب را در یک بازار واقعی معامله کنیم و ارزش آن را بدانیم. به لحاظ فرهنگی هم به آب حرمت نمی‌گذاریم.

بعد از آن مهندس جابری نسب مدیر آب و فاضلاب روستایی کرمان گفت که این جمع شدن مردم برای آب بسپار برایش جالب است. او به مصرف روزانه آب شهربابک اشاره کرد و گفت: «آب مصرفی روزانه شهرستان شهربابک برابر آبی معادل ۳۰۰ لیتر در ثانیه است و اگر ۸۰ درصد آن با بساب بدانیم یعنی ۲۴۶ لیتر در ثانیه آب قابل استفاده مجدد داریم.»

آخرین سخنران همایش آب استبرق مهندس فتوحیان مدیر جهاد کشاورزی شهرستان شهربابک بود. وی به طرح این مسئله پرداخت که درسال گذشته ۶۰ میلیون مترمکعب آب درکشورما جایی پیدا نکرده است. ما قانونی نداریم که آب را در یک بازار واقعی معامله کنیم و ارزش آن را بدانیم. به لحاظ فرهنگی هم به آب حرمت نمی‌گذاریم.

بعد از آن مهندس جابری نسب مدیر آب و فاضلاب روستایی کرمان گفت که این جمع شدن مردم برای آب بسپار برایش جالب است. او به مصرف روزانه آب شهربابک اشاره کرد و گفت: «آب مصرفی روزانه شهرستان شهربابک برابر آبی معادل ۳۰۰ لیتر در ثانیه است و اگر ۸۰ درصد آن با بساب بدانیم یعنی ۲۴۶ لیتر در ثانیه آب قابل استفاده مجدد داریم.»

آخرین سخنران همایش آب استبرق مهندس فتوحیان مدیر جهاد کشاورزی شهرستان شهربابک بود. وی به طرح این مسئله پرداخت که درسال گذشته ۶۰ میلیون مترمکعب آب درکشورما جایی پیدا نکرده است. ما علاوه بر کاهش آب با شوری آن هم روبرو هستیم. در دهه ۷۰ اکثر موتور بمب‌ها واحد تولیدی و در حقیقت یک واحد زندگی بودند الان قابل مقایسه با آن دوران نیست، با توجه به بحران فعلی آب درصدمت همگی که سرانه مصرف را به یک سوم وضع فعلی برسانیم.

افزایش ده هفتاد مربوط به همان چاه‌هایی است که در دهه شصت حفرشدند و وزارت نیرو بر مبنای تبصره ۳ آنها را به رسمیت شناخت. آبدهی چاه‌های غیر مجاز را تا یک سوم کاهش داد و پروانه به آنها داد. برای آسکان عشایر درمناطق غیرممنوعه مثل آرزویی، رودبار و جیرفت اجازه حفر چاه دردهه ۷۰ داده شد .

آیا می‌توانید از فعالیت‌های این سی سال آب منطقه‌ای ارزیابی داشته باشید؟
کدام‌ها را گریز ناپذیری می‌دانید کدام فعالیت‌ها مثبت بودند و چه کارهایی را اگر برگردید انجام نمی‌دید
من؟
آرزویی برای چنین ارزیابی ندارم. ما در سال‌های ۵۷ تا ۶۱ قانون نداشتیم که کسی قانون قدیم را قبول داشت ونه قانون جدیدی ارائه شده بود. بعدا قانون جدید توزیع عادلانه تشکیل شد ودولت توانست مسلط شود بر مناطق . این دوره دوره فترت بود وکسی نمی‌توانست کاری بکند. ما جز اولین استان‌هایی بودیم که اولین گزارش را به وزارت نیرو وشورای انقلاب دادیم (حدود ۱۰۰ صفحه گزارش که درکرمان دارد چه اتفاقی می‌افتد، بنیاید فکری بکنیم!) خیلی گزارشها آماده شد و سمینارها گذاشتیم. حالا پیر شدند همه وازدانشان رفته است ! اولین سمنینار درمهمانسرای کرمان راجع به چاه‌های غیرمجاز بود اساتید دانشگاه و نمایندگان مجلس هم بودند. آن زمان خروجی آن درجمله تائیری نمی‌گذاشت کارشناسان واقعا دلسوز بودند ازحق نمی‌توان گذشت این نبود که کسی عقب نشینی کند. آن شرایط را نمی‌توان کب بعدی قضاوت کرد. قوه قضاییه این جوری نبود هیچکس همکاری نمی کرد.

قانون توزیع عادلانه آب را چطور می‌بینید؟

قانون توزیع عادلانه نسبت به قانون ملی شدن آب ضعیف تر بود، ماکه کارشناس آب زیرزمینی بودیم می‌گفتمیم سفره آب زیرزمینی ملاک است ممنوعیت منطقه ملاک است برای تصمیم گیری (ولی آنها ملاک ای دیگری بود برای تصمیم گیری داشتند)

- **درمورد ماده ۲۸و۲۸۷توزیع عادلانه آب چه نظری دارید؟**

- این ماده درجهاتی درست است ودرجهاتی درست نیست به اعتقاد من انتقال آب را منع نکرده است گفته آب مختص زمینی است که برایش پروانه گرفته شده است. به نظر من اگر جایی که زمین مطالعه نشده و معلوم شده که که قابلیت باردهی اقتصادی ندارد دلیلی ندارد که ما آب را از سفره خارج کنیم و هدر بدهیم در این مقداری ضعف دارد ولی گفته اگر کسی این کار را کرد پروانه اش باطل است برای این‌ها قانونی مشخص نکرده فقط گفته با اطلاع وزارت نیرو باشد. این‌دشت قبلا درقانون قنات هم بود یعنی می گفت هر کجا قنات مظهر شد درکران آب باید آبادی ایجاد شود

ایران از قدیم با خشکسالی مواجه بوده است وبهترین تکنولوژی که مناسب این اقلیم بود همان قنات بود ودرواقع تکنولوژی حفر چاه تحمیل شد. دوم افزایش جمعیت، برای اینکه یک فرد بتواند معیشت خود را با توجه آب تهیه کند نیاز به ۳۰۰۰ مترمکعب سرانه در سال دارد وحالاته این سرانه درکشور ما ۱۰۰۰ مترمکعب رسیده است. کل دشت رفسنجان در زمان انقلاب ۲۳هزار هکتار با دشت وحلا به ۱۱۰ هزار هکتار رسید. طبیعتاً این مقادیر بر مازاد سفره افزوده شد .